

# بررسی ضرورت آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان از نگاه متخصصان آموزش و پرورش شهر تهران

حوریه دهقان شاد، استاد یار، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران  
سید محمد محمودی کوننده، کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

## چکیده

امروز در عصری زندگی می کنیم که فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعاتی است که به وسیله رسانه های مختلف تولید می شود و در شرایط اشباع رسانه ای قرار داریم، چنین فضایی نیازمند تعیین و تجویز یک رژیم مصرف رسانه ای است. برای دستیابی به این رژیم مصرفی نیازمند آموزش رسانه ای به تمام مردم به خصوص کودکان و نوجوانان هستیم. کودکان امروز ناچارند با مقتضیات جامعه اطلاعاتی زندگی کنند ضروری است که از هم اکنون توانایی ها و قابلیت های لازم برای زندگی و کار در چنین جامعه ای در آنان ایجاد شود. در این فرآیند نظام آموزش و پرورش از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا کودکان و نوجوانان از مهم ترین و در عین حال آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند. آموزش و پرورش با شناخت روح زمانه و نیازهای نشأت گرفته از آن می تواند پاسخگوی تقاضای مبتنی بر شرایط جدید باشد و خود را با آن منطبق کند لذا انجام اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش بنا به تجربه سایر کشورها به عنوان زیربنای توسعه در کشور ضرورت دارد نظام آموزش و پرورش می تواند با ایجاد و تقویت مهارت های رسانه ای در دانش آموزان آنها را به استفاده موثر و مفید از مهارت های ارتباطی وا دارد.

در این پژوهش نظر متخصصان حوزه آموزش و پرورش در خصوص ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان با اهدافی چون ضرورت گنجانیدن موضوع سواد رسانه ای در عناوین درسی مدارس، ضرورت تدوین محتوای آموزشی تکنولوژی های ارتباطی، دلایل رشد نیافتن سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و نقش آموزش و پرورش در آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت که برای این منظور با انتخاب نمونه هایی از بین متخصصان این حوزه از روش پیمایشی با تکمیل پرسشنامه صورت گرفته است که نتایج بدست آمده از تحقیق بدین شرح است که شناخت متخصصان آموزش و پرورش از رسانه ها و کارکرد آنها موجب درک بهتر آنها از موضوع سواد رسانه ای خواهد بود.

از دیگر نتایج این تحقیق این است که بین آموزش سواد رسانه ای و نبود آموزش آن در مدارس رابطه معنی داری وجود دارد یعنی نا آشنایی کودکان و نوجوانان با مقوله سواد رسانه ای به این موضوع بر می گردد که هیچ گونه آموزشی در خصوص سواد رسانه ای در نظام آموزش رسمی کشور وجود ندارد به همین دلیل کودکان و نوجوانان ما نمی توانند استفاده درست و درکی از اهداف پیدا و پنهان رسانه ها داشته باشند.

ارتباط بین آموزش سواد رسانه ای و استفاده هدفمند کودکان و نوجوانان از رسانه ها از دیگر نتایج این تحقیق است همچنین در این پژوهش مشخص شد که آموزش سواد رسانه ای نقش بسزایی در توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی افراد جامعه خواهد داشت.

**واژگان کلیدی:** سواد رسانه ای، آموزش رسانه ای، متخصصان آموزش و پرورش، توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی

**مقدمه**

بر اساس تعریف یونسکو در سال ۱۹۵۱ به فردی که توانایی درک (خواندن و نوشتن) متنی ساده در زندگی روزانه خود را داشت فرد با سواد گفته می‌شد، همگام با رشد و پیشرفت‌های وسیع در حوزه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و سایر تحولات متأثر از این پیشرفت‌ها مفهوم سواد نیز تغییر کرده است.

با پیدایش و گسترش انقلاب تکنولوژی در دهه ۱۹۸۰، جهان به مرحله‌ی جدیدی گام نهاد، که در آن رسانه‌ها ضمن تکامل و تنوع به یکی از اجزای اصلی جوامع بشری تبدیل شده‌اند. بنابراین برای اینکه بتوان در برابر رسانه‌های متعدد، مخاطب‌بینی داشت که در کنار بهره‌برداری آگاهانه و فعالانه از این رسانه‌ها، خود را در مقابل چالش‌ها حفظ نمایند، باید سواد جدیدی ایجاد کرد. پس نیازمند ارائه تعریف گسترده‌تری از سواد و افزایش فضای مفهومی آن هستیم؛ که معمولاً به معنای توانایی خواندن و نوشتن صرف نیست بلکه بهره‌مندی از تفکر منتقدانه در برخورد با رسانه هاست که از آن به عنوان "سواد رسانه‌ای" یاد می‌شود این آموزش روش و چارچوب جدیدی فراهم می‌کند که برای زندگی شهروندی قرن ۲۱ ضروری است.

مطابق ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر افراد جامعه بشری از دو حق برخوردارند نخست حق دریافت اخبار و اطلاعات، دوم حق پخش یا ارسال اطلاعات و اخبار به دیگران بر این اساس در صورتی که شهروندان به اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری درست دسترسی نداشته باشند قادر نخواهند بود در فرآیند دموکراسی در جامعه مشارکت کنند مخاطبان با سواد رسانه‌ای بالا هم با انواع تکنولوژی‌های رسانه‌ای و ارتباطی آشنا هستند و هم از فرهنگ کاربردی بالایی برخوردارند در چنین چرخه ارتباطی رسانه‌ای شهروندانی تربیت می‌شوند که دارای مسئولیت اجتماعی بالایی هستند.

امروزه توسعه یافتگی یک کشور تا اندازه بسیار زیادی تحت تأثیر وجود دستاوردهای تکنولوژیکی و آموزش استفاده بهینه آن قرار دارد. جوامعی که در آنها این تکنولوژی‌ها بسیار کم و یا اصلاً موجود نیست، توسعه نیافته به حساب می‌آیند. بنابراین هر اندازه که به مباحث توسعه با تأکید بر تکنولوژی‌ها از ابعاد مختلف پرداخته شود، کافی نیست. بلکه داشتن ادبیاتی جامع و منسجم در زمینه توسعه و نحوه استفاده از آن با تکیه بر آموزش سواد رسانه‌ای از نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه مانند ایران است.

در چنین عصری باید کودکان و نوجوانان خود را به تفکر انتقادی مجهز نماییم و این آموزش را باید از دوران مدرسه و در کلاس درس به آنان آموخت تا در آینده به شهروندان آگاه و فعال تبدیل شوند.

از آنجایی که در هر کشوری نظام آموزش و پرورش متولی اصلی امر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است این قاعده در کشور ما نیز مستثنی نیست خصوصاً زمانی که بخش عمده‌ای از جمعیت کشورمان را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند کارنظام آموزش و پرورش سخت تر خواهد بود به همین منظور این نهاد باید ضمن پرورش علمی دانش‌آموزان با برنامه ریزی دقیق آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوان را مورد توجه قرار دهد.

در این بین نظریه پائولو فریره در زمینه آموزش انتقادی و چگونگی پیاده‌سازی آن در کلاس درس را می‌توان به عنوان پایه نظری این تحقیق دانست. وی از آموزش سنتی مدارس که آن را آموزش بانکی می‌خواند به شدت انتقاد و آن را به انبار کردن اطلاعات در ذهن دانش‌آموزان تشبیه کرده است. روش پیشنهادی فریره آموزش طرح مسئله است که به کمک گفت و شنود انتقادی عملی شده و معلم با طرح‌سؤالات تحریک‌کننده ذهن دانش‌آموزان را وامی‌دارد که فکر کنند و راجع به سؤال نظر خود را در کلاس ارائه دهند.

**اهمیت و ضرورت پژوهش**

با توجه به وابستگی مخاطبان به رسانه‌ها و فرآورده‌های رسانه‌ای داشتن توانایی قدرت تجزیه و تحلیل، تشخیص، درک و انتخاب پیام رسانه‌ای و همچنین مقاوم‌سازی آنان در برابر نفوذهای ناشی از قدرت رسانه‌ها ضرورت پیدا می‌کند.

در این میان سواد رسانه‌ای مهارتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد که می‌توان اثرات رسانه‌های گروهی را تعدیل کند و به مخاطبان این امکان را بدهد که با آگاهی کامل پیام رسانه‌ها را پردازش کنند.

از آنجایی که رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر نگرش، اندیشه و رفتار مخاطبان دارند آموزش و شناخت روش‌ها و عملکردهای رسانه‌ها ضرورت می‌یابد. در چنین وضعیتی ما باید درباره نگرش کودکان و نوجوانان کشورمان

به پدیده جهانی شدن رسانه ها و تاثیر این نگرش بر نظام ارزشی و هویت آن حساسیت کافی نشان دهیم و آموزش و پرورش کشور خود را برای پاسخگویی مناسب به این چالش عظیم جهانی آماده سازیم. با ظهور تکنولوژی های نوین، فرآیند آموزش از انحصار مدرسه و آموزشگاه ها خارج شده و جهان پهناور به عرصه آموزش تبدیل گردیده است. در این شرایط چگونه می توان زمینه های لازم شناختی و انگیزشی را در دانش آموزان ایجاد کرد تا به صورت خود انگیزته نسبت به محتوای رسانه ها واکنش نشان دهند. یکی از مهم ترین راه های دستیابی به این هدف ترویج اندیشیدن و اندیشه ورزی در مدارس و مراکز آموزشی با بهره گیری از آموزش سواد رسانه ای دانش آموزان است. (سلطانی فر، ۱۳۸۵، صفحه ۳۶)

با توجه به اهمیت روزافزون سواد رسانه ای در جوامع و پیشرفت های قابل ملاحظه ای که در این زمینه در سطح جهان صورت گرفته است جای خالی موضوع سواد رسانه ای در دروس آموزش مدرسه ای کشورمان بیشتر حس می شود. در اغلب کشورهای دنیا با حمایت های مستقیم و غیرمستقیم دولت آموزش های لازم از طریق رسانه ها و برقراری دوره های آموزشی به شهروندان ارائه می شود تا نحوه مواجهه با رسانه ها را فراگیرند توجه به ضرورت و اهمیت موضوع آموزش سواد رسانه ای متأسفانه تا کنون آن طور باید و شاید در کشور ما به آن توجه نشده و مشخص نیست چه زمانی آموزش سواد رسانه ای به خصوص برای کودکان و نوجوانان در سطح گسترده و عمومی آغاز می شود.

### سوالات

- ۱- تا چه حد آموزش سواد رسانه ای موجب استفاده هدفمند از رسانه ها می شود؟
- ۲- تا چه اندازه گنجاندن موضوع آموزش سواد رسانه ای در عناوین درسی مدارس ضروری است؟
- ۳- تا چه اندازه در برنامه ریزی های نظام آموزشی به موضوع سواد رسانه ای توجه شده است؟
- ۴- تا چه حد متخصصان آموزش و پرورش نسبت به تکنولوژی های نوین ارتباطی شناخت دارند؟
- ۵- تا چه اندازه آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان موجب توسعه اجتماعی خواهد شد؟

### فرضیه ها

- ۱- به نظر می رسد بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و شناخت متخصصان آموزش و پرورش از رسانه رابطه معنی داری وجود دارد
- ۲- به نظر می رسد بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و نبود آموزش آن در مدارس رابطه معنی داری وجود دارد
- ۳- به نظر می رسد بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و استفاده هدفمند آنها از رسانه ها رابطه معنی داری وجود دارد
- ۴- به نظر می رسد بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و عدم برنامه ریزی آموزشی رابطه معنی داری وجود دارد
- ۵- به نظر می رسد بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و توسعه اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد

### تعریف سواد رسانه ای:

سواد رسانه ای برخورد هدفمند با رسانه ها است که موجب بالا رفتن سطح آگاهی افراد جامعه به عنوان مخاطبین رسانه ها می شود و منجر به ارتباطی دوسویه و مشارکت جویانه با رسانه ها از یک سو و تقویت ساختار دموکراتیک جامعه در راستای مباحث مشارکت فعال در حوزه رسانه از سویی دیگر می شود (پژوهشنامه رسانه و توسعه، ۱۳۹۰، صفحه ۵)

### ویژگی روان شناسی سواد رسانه ای:

ارتباط تنگاتنگ رسانه با سلامت روان غیرقابل انکار است. رسانه ها همان گونه که قادرند فشار روانی شدیدی بر آدمی وارد کنند از این توانمندی هم برخوردارند که مخاطبان را از استرس دور کنند و به آرامش برسانند. تاثیرگذاری محصولاتی که رسانه ها عرضه می کنند حتی در غیاب ابزارها و شاخص های قابل سنجش بر هیچ کس پوشیده نیست.

تاثیرپذیری کودکان و نوجوانان از محصولات رسانه ای به ساختار ناکامل شخصیت آن‌ها، میزان نوسان‌پذیری این ساختار، رفتار، نگرش، نحوه برقراری ارتباط و تعامل با خانواده، گروه همسالان، همکلاسی‌ها، نوع و جذابیت رسانه، زمان، مکان، دفعات مواجهه با محصولات رسانه ای، ساختار ظاهری و محتوایی این محصولات و عوامل بسیار دیگری وابسته است. (شهرام خرازی‌ها، سایت سلامت نیوز) فرد پس از پشت سر گذاشتن دوران نوجوانی، در دوران جوانی، میانسالی و کهنسالی از رسانه‌ها و محصولات رسانه ای تاثیر مثبت و منفی می‌گیرد اما ایده آل آن است که فرد شخصیت خویش را بی‌هیچ قید و بندی در اختیار رسانه‌ها و محصولات رسانه ای قرار ندهد بلکه سعی کند از امتیازات رسانه حداکثر بهره را گرفته و از مضرات آن تا حد ممکن فاصله بگیرد.

واقع اپیدمی تخریب سلامتی دامنگیر بسیاری از رسانه‌ها شده است و گاه واضح و گاه مخفی و خاموش است. (شهرام خرازی‌ها، ۱۳۸۷، صفحه ۴۱)

در حال حاضر که سازمان‌های مرتبط و مسئول عنایت‌چندانی به گروه بندی سنی ندارند یکی از راه‌های پیشنهادی، ارتقای سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان است.

سهل انگاری و کم توجهی ما در این زمینه باعث شده ما کودکان و نوجوانان را در مقابل این محصولات تنها و بی‌دفاع بگذاریم. بنابراین ضروری است که وزارت آموزش و پرورش هرچه سریع‌تر میحث سواد رسانه ای را با همکاری، همفکری و مشارکت تخصصی ارگان‌های ذی ربط در کتب درسی تمام مقاطع تحصیلی بگنجانند.

### ویژگی جامعه شناسی سواد رسانه ای

جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، دانشی است که در آن گروه‌های اجتماعی وسایل ارتباط جمعی و وضعیت‌هایی که آنها تحت تاثیر یکدیگر قرار می‌گیرند را مورد بررسی، شناخت و تبیین قرار می‌دهد رسانه‌ها دارای کارکردهای مختلفی در جامعه هستند در این بین مخاطبان با داشتن آگاهی از نحوه کار آنها می‌توانند خود را در برابر اثرات مخرب محافظت کنند و با استفاده بهینه از رسانه‌ها ضمن کسب آگاهی‌های لازم در فرآیند اجتماعی شدن شرکت می‌نمایند. امروزه جامعه شناسان اهمیت زیادی برای سواد رسانه‌ای و آموزش آن قائل اند برخی معتقدند آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند بسیاری از مشکلات را در ارتباط با وسایل ارتباط جمعی به میزان زیادی حل کند سواد رسانه‌ای از این نظر که به فرزندانمان کمک می‌کند تا گرفتار فضای مسموم و خطرناکی که رسانه‌ها می‌آفرینند نشوند اهمیت زیادی دارد. (بابایی راد، ۱۳۸۷، صفحه ۲۱)

### مزایای آموزش سواد رسانه ای در مدارس

- استفاده کنندگانی متفکر در برخورد با رسانه‌ها بیوراند.
- دانش آموزان مدیریت اطلاعات داشته باشند و تسلیم ابزارهای رسانه ای قدرتمند رسانه ای جهانی نشوند.
- دانش آموزان را درگیر می‌کند تا دنیای واقعی را به کلاس درس بیاورند.
- هم به دانش آموزان هم به معلمان رویکرد مشابهی نسبت به تفکر انتقادی می‌دهد.
- توانایی و مهارت دانش آموزان را افزایش می‌دهد که بتوانند ارتباط برقرار کنند عقاید و افکار خود را در سطح گسترده مطرح کنند.
- معلم را آزاد می‌گذارد که همراه با دانش آموزان مطلب یاد بگیرد و نقش راهنما از بیرون را داشته باشد.
- دانش آموزان با فراگیری دانش محتوایی این توانایی را کسب می‌کنند که هر پیام را در هر رسانه ای تحلیل کنند. (سلطانی فر، ۱۳۸۵، صفحه ۱۱۵)

### ویژگی کودکان و نوجوانان برای آموزش سواد رسانه ای

مخاطبان اصلی آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان هستند. دلایل آن هم چندان پیچیده نیست دانش و تجربه کم این گروه و در نتیجه نیاز بیشتر آنها به آموزش یادگیری از یک طرف و مقرون به صرفه بودن آموزش برای آنها از نظر طول مدت بازده سرمایه گذاری آموزشی از طرف دیگر بیش از سایر گروه‌ها توجه برنامه ریزان این حوزه را به خود جلب کرده است. نکته مهم تر آن است که میزان در معرض قرار گرفتن این گروه از سایر گروه‌ها بیشتر است البته این بدین معنا نیست که برای گروه‌های بزرگسال نباید آموزش داد. بلکه بزرگسالان اعم از معلمان و اولیا در زمره

مشتریان بالقوه آموزش سواد رسانه ای هستند. (ارجمندی، ۱۳۸۴، صفحه)

یکی از ویژگی های مهم کودکان شناخت محدود آنها از تمام جنبه های جهان مادی و اجتماعی که در آن زندگی می کنند است همه ما شناخت درباره جهان را در طول زندگی به دست می آوریم اما مهمترین بخش فراگیری معمولاً در دوران کودکی صورت می گیرد. شوق اشتیاق کودکان به فراگیری و شناخت نسبی آنان از محیط پیرامون را می توان به عنوان دیگر ویژگی آنان برای آموزش سواد رسانه ای دانست.

### پردازش اطلاعات توسط کودکان

کودکان برای استخراج پیام از محتوای رسانه ها باید حداقل علایم دیداری، شنیداری و محتوایی برنامه ها را بدانند، آنها را رمزگشایی کنند و برای مراجعه بعدی آنها را در حافظه خود نگهدارند. تمام این فعالیت ها در مقوله پردازش اطلاعات جای می گیرد موقعی که کودک در حال استفاده از رسانه هاست به طور مدام باید انجام شود. عوامل متعددی می تواند در مورد توجه قرار گرفتن و پروراندن محرک ها موثر باشد برخی در درون انسان وجود دارد و دیگر موارد مشابهی برای انگیزه های افراد پس از آموخته شدن تقریباً به شکلی خود کار اجرا می شوند. زمانی که کودک با دسته ای از محرک های دیداری و شنیداری مواجه می شود می توان از طرح ها به منظور هدایت انتخاب کودک در مورد اینکه به چه محرک هایی توجه نشان دهد و کدام یک را به مغز بفرستد استفاده کرد اما لازم به گفتن است که این طرح ها تنها عوامل موثر در این فرآیند محسوب نمی شوند بلکه علایق و نیازهای آنان توانایی و تعلیم آنان و طرح های ذاتی پردازش اطلاعات شان تفسیر ها و ارزیابی ها آنها از محتوا و ویژگی های خود محتوا همگی با هم می توانند به تناوب در اینکه کدام محرک ها باید مورد توجه قرار گیرند به مغز انتقال می یابد رمز گشایی می شوند و یا به عنوان بخشی از فرآیند درک مفهوم محتوای رسانه ها در حافظه ذخیره می شوند موثر باشند. (سلطانی فر، ۱۳۸۵، صفحه ۱۱۲)

### ساخت مفهوم برای محتوا

یکی از الگوهای مشخص دوران رشد در میان نتایج حاصل از پردازش اطلاعات محتوای رسانه ها افزایش میزان اطلاعات کسب شده در سراسر دوران کودکی و نوجوانی است عامل مهم دیگری که در یادآوری تاثیر دارد تغییراتی است که در رابطه با سن در مدل ها و طرح های درونی کودکان در ساختار انواع برنامه ها و محتوای آن صورت می گیرد طرح های کودکان برای موضوع های اصلی با افزایش سن بهبود می یابد کودکان کم سن تر طرح های ساده ای دارند و با افزایش سن عناصر بیشتری به طرح های کودکان در یک موضوع افزوده می شود همانطور که تغییرات ناشی از رشد کودکان را می توان در فعالیت های پردازش اطلاعات آنها یافت تفاوت های ناشی از سن نیز در فعالیت های تفسیری آنان قابل مشاهده است همانگونه که تمایلات و توانایی های کودکان در استناد هیجانی و انگیزه ها به شخصیت تغییر می یابد استنباط آنها از مسائل تغییر می کند کودکان کمتر از ۸ تا ۹ سال به ندرت محتوای حذف شده را استنباط می کنند و اگر هم استنباط کنند غلط است ولی حداقل تا سن ۱۳ سالگی افزایش شدیدی در تمایلات و توانایی های کودکان برای استنباط محتوای ضمنی وجود دارد.

در طول دوران کودکی تغییرات مشخصی در عقاید کودکان در واقعیت محتوای برنامه رسانه ها به چشم می خورد کودکان سنین قبل از دبستان تمایل فکریشان این است که محتوای برنامه کاملاً واقعی است در مقطعی بسیاری از آنها در می یابند که برنامه های کارتونی و عروسکی واقعی نیستند در سنین ۷ یا ۸ سالگی اغلب کودکان می دانند که حتی برنامه هایی که مردم واقعی را به تصویر می کشند الزاماً خلاصه زندگی واقعی نیستند به نظر می رسد مهم ترین تغییر در کنش متقابل میان کودکان و رسانه ها در محدوده زمانی بین ۶ تا ۹ سالگی صورت می گیرد و احتمالاً تغییر کم اهمیت تری در دوران نوجوانی رخ می دهد. درک کردن نحوه ساخت محتوای رسانه ها می تواند به کودکان کمک کند تا واقعیت و اعتبار چیزی که با آن در ارتباط هستند را ارزیابی کنند. کودکانی که فرآیند تولید را می فهمند ممکن نیست آن قدر تحت تاثیر واقعیت ظاهری چیزی که می بینند قرار بگیرند آنها می دانند که محتوای برنامه یک حلقه است که با استفاده از تکنیک های هوشمندانه ساخته شده است و کودکانی که چیزی درباره فرآیند تولید برنامه و محتوای رسانه ها نمی دانند تمایل بیشتری برای پذیرفتن واقعی بودن آن دارند.

در طول دوران کودکی تکامل بسیار محسوسی در درک نحوه ساخت محتوای برنامه در کودکان صورت می گیرد

### نقش آموزش و پرورش در رشد سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان

اعتقاد بر این است که برای کسب مهارت سواد اطلاعاتی باید همانند سواد خواندن و نوشتن اقدامی ملی صورت پذیرد یعنی به همان نسبت که مسئولان آموزشی نسبت به آموزش خواندن و نوشتن مردم احساس مسئولیت می کنند باید مهارت آموزی در نحوه استفاده از انبوه اطلاعات را نیز سرلوحه کار خود قرار دهند در حال حاضر هر روز شکاف بین افراد با سواد سنتی و آنان که توانایی کار با رایانه و استفاده از اطلاعات روز آمد را دارند بیشتر می شود برای از بین بردن این فاصله و در واقع کمک به افراد جامعه باید کلاس های آموزشی ویژه و مداوم برای تمام افراد جامعه که درگیر تحقیق و آموزش هستند برگزار شود نباید تنها به آموزش ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی ختم شود بلکه تمامی افراد جامعه باید درگیر نوعی آموزش مادام العمر باشند و در مراحل مختلف زندگی آموزش لازم ببینند. (شریف مقدم، ۱۳۸۴، صفحه ۴۲)

### ضرورت اصلاح و بهبود نظام آموزشی

یکی از چالش های نظام آموزش و پرورش در ایران این است که دانش آموزان اطلاعات خود را به صورت انفعالی دریافت می کنند امروزه در آموزش و پرورش ما آموخته های دانش آموزان سطحی است، تعمق و تفکر در شیوه های یاددهی و یادگیری بسیار اندک است دانش آموزان اغلب آنچه را که در مدرسه حفظ می کنند در زندگی واقعی و خارج از مدرسه دوباره باید یاد بگیرند در حالی که امروزه دیگر معلم و مدرسه تنها منبع اطلاعات دانش آموزان نیستند دانش آموزان به یک راهنما برای حرکت و عبور از میان اطلاعات و عدم پذیرش منفعلانه نیاز دارند. آنان باید بتوانند مهارت های تفکر انتقادی را در خود ایجاد کنند و به طور موثری در زندگی تحصیلی خود به کار ببندند. از این رو نظام آموزشی کشور نیز باید مطابق مقتضیات این عصر تغییر کند با استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش معلمان فعالیت های خود را بر اساس شیوه های یادگیری و مطابق با عملکردهای مغز، طراحی کنند و به سوی فناوری یادگیری و بهره گیری از شیوه های جدید آموزشی که همه مبتنی بر اصول و نظریات یادگیری شناختی فراشناختی و ساخت گرایمی است، به سرعت گام بردارند در این بین کودکان و نوجوانان ضمن آشنایی با نحوه استفاده از رسانه ها با عملکرد آنها آشنا می شوند و از یک مصرف کننده صرف به مخاطبی فعال و گزینشگر تبدیل می شود

### جایگاه سواد رسانه ای در نظام آموزش کشور

همانطور که اشاره شد اهمیت سواد رسانه ای در دنیای امروز کمتر از سواد خواندن و نوشتن نیست. به همان اندازه که سواد خواندن و نوشتن از ضروریات زندگی اجتماعی افراد به حساب می آید سواد رسانه ای نیز در عصر پر تلاطم اطلاعات که هر روز خود را در مواجهه با رسانه های گوناگون شنیداری، دیداری و نوشتاری می یابیم از اهمیت دو چندان برخوردار می باشد. چرا که بدون این سواد نمی توان گزینش های صحیح از پیام های رسانه ای داشت و خود را در برابر پیام های رسانه ها بیمه کرد و این خود زمینه سازی برای آموزش این نوع سواد را در کنار سواد خواندن و نوشتن در نظام آموزشی کشور ایجاد می کند. در این بین نهادهای اجتماعی - آموزشی همچون آموزش و پرورش، دانشگاه ها و مراکز آموزشی به عنوان متولیان امر آموزش و تربیت انسان نقش عمده ای بر عهده دارند. نهاد آموزش و پرورش به عنوان اولین نهاد آموزشی که فرد به عنوان عضوی از جامعه با آن آشنا می شود نقش اصلی دارد. در این نهاد می توان با گنجاندن واحدهای درسی در دوره های تحصیلی زمینه را برای طرح موضوع سواد رسانه ای ایجاد کرد و در مقاطع تحصیلی بالاتر به عنوان واحد درسی به طور جدی تری به آن پرداخته شود. حمایت نهادهای آکادمیک از طریق گنجاندن مفاهیم سواد رسانه ای در کتب درسی دانش آموزان و دروس دانشکده های ارتباطات نیز می تواند مفید باشد. متأسفانه علارغم اهمیت موضوع آموزش سواد رسانه ای برای کودکان و نوجوانان همچنان از آن به عنوان مفهوم جدیدی یاد می شود که نه تنها در مدارس بلکه در دانشگاه های ما نیز به آن توجه نمی شود.

### ضرورت ترویج آموزش سواد رسانه ای در ایران

باوجود پذیرش بی قید و شرط نرم افزارها و تکنولوژی ها تازه و روزآمد جهانی، متأسفانه جامعه ایرانی در جنبش نرم افزاری و تولید علم و فناوری نه تنها حساس نشده بلکه به فناوری اطلاعاتی تحریک نیز نشده است، چه بسا در بسیاری

از موارد، به سکون ذهنی مبتلا شده ایم. بدین منظور همانگونه که در اظهار نظر کارشناسان و خبرگان تکنولوژی آموزشی کشورمان دیده می شود این تحریک جمعی برای تفکر، خلاقیت، کارآفرینی و نوآوری نیازمند اقدامی بزرگ و ملی است تا عقب ماندگی های حاصل از نگاه سنتی در مقوله مهم آموزش کشور را جبران نماید.

نگاه کارشناسان و غیر کارشناسان ما به رسانه از ابتدا و از دوره ای که اولین رسانه مدرن وارد جامعه شد عموماً نگاهی محتوا محور و کارکردگرا بوده، نگاهی بوده که اصالت را بیشتر به محتوای رسانه می دهد تا جامعه یا خود رسانه به عنوان فناوری در این نگاه جامعه و فناوری ارتباطی در مقابل محتوای رسانه نقشی فرعی دارند در دیدگاه محتوا محور سیاستگذاران ما مخاطب به شدت منفعل و پذیراست و هیچگونه نقش مستقلی ندارد آموزش سواد رسانه ای می تواند این رویکرد و سیاست را اصلاح کند و موجب شود تا نتایج واقع بینانه ای بدست آوریم.

چنانچه قرار باشد درباره تحقق آموزش سواد رسانه ای و مراحل آن صحبت شود باید یکی دو سال در مورد این موضوع در کشور بحث شود و برای نزدیک ترین گروه ها به خصوص سرشاخه هایی که قرار است در آینده نقش بیشتری بر عهده گیرند مثل معلمان و خانواده ها کارگاه های آموزشی برگزار، مطالعات مقدماتی برای نوشتن سرفصل ها در کتب درسی مدارس انجام شود و مدارس کشور به فناوری های جدید مجهز شوند تا کم کم زمینه رشد این آموزش در کشور فراهم شود.

### سند تحول نظام آموزش و پرورش و سواد رسانه ای

در ۳۰ سال گذشته برنامه هایی در آموزش و پرورش کشور اجرا شد، اما به لحاظ میانی نظری و سبک و سیاق آن متاسفانه روش های نوین و مناسب در عرصه تعلیم و تربیت به روشنی مشخص نبود. امروز باید روش ها و نگاه ها به فرایند یاددهی و یادگیری تغییر یابد و برنامه محوری جایگزین کتاب محوری شود. با این نگاه در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۰ از سند راه گشا در آموزش و پرورش برای دست یابی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ رونمایی شد. این سند داری هشت هدف کلان و ۱۳۰ راهکار عملیاتی برای ایجاد تحولی بنیادین در آموزش و پرورش است، که در ذیل به برخی از راهکارهایی که به نوعی با موضوع سواد رسانه ای مرتبط می باشد اشاره می شود:

- ۱- کمک به ترویج و تعمیق سواد رسانه ای در میان والدین
- ۲- تعمیم سواد رایانه ای مربیان و توسعه بهره برداری از فناوری های آموزشی نوین
- ۳- توسعه ضریب نفوذ اینترنت و اینترنت با اولویت پر کردن شکاف دیجیتالی
- ۴- تأمین زیرساخت های مدارس به فناوری های (سخت افزاری و نرم افزاری) متناسب با برنامه های درسی
- ۵- تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز مربیان و مدارس
- ۶- حاکمیت روش های فعال در یادگیری با تکیه به کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدرسه
- ۷- بهبود نگرش و تقویت مهارت مربیان برای استفاده بهینه از فناوری های

### نظریه نشر نوآوری

اورت.ام. راجرز در کتاب «نشر نوآوری ها» (۱۹۶۲) به مقوله نوآوری پرداخته است. رویکرد راجرز بیشتر به فرآیند های نشر نوآوری و پذیرش آنها در یک شیوه نظام یافته و برنامه ریزی شده مربوط است. در حالی که پژوهشگران و تصمیم سازان در سطح کلان درباره نقش حمایتی رسانه های جمعی در توسعه و نوسازی بحث می کردند، نظریه نشر نوآوری به تدریج به عنوان یک چهارچوب محلی برای هدایت ارتباطات در خدمت توسعه مطرح شد. نظریه نشر نوآوری، ارتباطات نظری مهمی نیز با پژوهش های متمرکز بر حوزه های تاثیرات ارتباطی رسانه ای و رهبران فکری برای ایجاد دانش مربوطه به رویه ها و ایده های جدید و نیز قدرت متقاعد سازی مخاطبان پیام ها برای اتخاذ نوآوری هایی که از بیرون به آنها ارایه می شود ارائه داده است.

طبق تعاریف راجرز سواد رسانه ای نوعی نوآوری تکنولوژی محسوب می شود زیرا برای اقتباس کننده بالقوه به عنوان ایده های جدید محسوب می شود، سواد رسانه ای به دلیل داشتن اجزای سخت افزاری و نرم افزاری نوعی نوآوری تکنولوژیکی محسوب می شود.

راجرز معتقد است که نقش اساسی رسانه ها در مرحله نخست (اطلاع رسانی و آگاهی بخشی) است. بعد از این مرحله است که تماس های میان فردی نظر متخصصان مشورت آنان و تجربه واقعی در جهت فرآیند تثبیت نقش اساسی را بر

عهده می‌گیرند.

از نظریه نشر نوآوری بدین منظور استفاده می‌شود که می‌توان با آن نشان داد چگونه حامیان سواد رسانه‌ای قادر خواهند بود در جهت افزایش میزان اقتباس برنامه‌های سواد رسانه‌ای در سطح مدارس بهره‌برند برنامه‌های سواد رسانه‌ای هم می‌توانند به صورت یک دوره تحصیلی کامل و یا هرچیزی بین این دو مورد باشند. هدف اصلی تمامی این برنامه‌ها ایجاد قشری ازدانش‌آموزانی است که دارای سطح بالای سواد رسانه‌ای بدین ترتیب به نظر می‌رسد سواد رسانه‌ای به عنوان یک نوآوری دارای این پتانسیل باشد که به طور کامل در نظام اجتماعی آموزشی مدارس مورد اقتباس قرار گیرد.

طبق نظریه شاخصه‌های محسوس، امکان اقتباس نوآوری‌ای بالا است که دارای پنج شاخصه باشد:

۱- برتری نسبی، ۲- سازگاری، ۳- پیچیدگی ۴- قابلیت آزمایش (آزمایش پذیری)، ۵- قابلیت مشاهده (مشاهده پذیری)

### برتری نسبی

برتری نسبی آموزشی سواد رسانه‌ای بدان دلیل است که توانایی دانش‌آموزان را در دستیابی، تحلیل، ارزیابی و تولید پیام‌های رسانه‌ای افزایش می‌دهد. دانش‌آموزان هر روز با سیل عظیمی از پیام‌های رسانه‌ای روبرو می‌شوند. در بیشتر موارد، دانش‌آموزان نمی‌دانند که چگونه یک پیام رسانه‌ای را از پیام رسانه‌ای دیگر، بطور دقیق تشخیص بدهند. آموزش سواد رسانه‌ای مهارت‌های تفکری و دیدگاه‌های انتقادی را برای دانش‌آموزان به ارمغان می‌آورد، که دانش‌آموزان با کمک آنها می‌توانند روش‌های متقاعدسازی و جهت‌گیری‌های پیام را شناسایی کرده و همچنین ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی‌ای را که از طریق پیام رسانه منتقل می‌شوند، به نحوی بشناسند.

### سازگاری

علاوه بر برتری نسبی آموزش سواد رسانه‌ای، اقتباس‌کنندگان بالقوه نیازمند درکی بهتر از چگونگی سازگاری این آموزش‌ها با رویه‌ها و ارزش‌های کنونی می‌باشند.

### پیچیدگی

اقتباس‌کنندگان نباید حس کنند آموزش سواد رسانه‌ای نوعی فعالیت پیچیده می‌باشد.

### قابلیت آزمایش (آزمایش پذیری)

این شاخصه به اقتباس‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا درستی ادعای آموزش سواد رسانه‌ای را مورد سنجش قرار دهند. آموزش سواد رسانه‌ای را می‌توان بر یک مبنای آزمایشی به اجرا درآورد.

### مشاهده پذیری

اگر معلمین در جریان آموزش سواد رسانه‌ای و یا پس از آن متوجه تغییراتی در سطح شناخت و آگاهی دانش‌آموزان در رابطه با پیام‌های سلامت مثبت و منفی شوند می‌توان اعلام کرد اقتباس امکان پذیر است.

### نظریه انتقادی فریره

پائولو فریره از اندیشمندان برجسته قرن بیستم است که نظریه انتقادی را در آموزش و پرورش مطرح و اجرا نموده است. او که در زمینه سوادآموزی بزرگسالان شهرت یافته نظریاتی در زمینه آموزش انتقادی و چگونگی پیاده‌سازی آن در کلاس درس مطرح نموده است. فریره از آموزش سنتی مدارس که آن را آموزش بانکی می‌خواند به شدت انتقاد و آن را به انبار کردن اطلاعات در ذهن دانش‌آموزان تشبیه کرده است. روش پیشنهادی وی آموزش طرح مسئله است که به کمک گفت و شنود انتقادی عملی شده و معلم با طرح سؤالات تحریک‌کننده ذهن دانش‌آموزان را و می‌دارد که فکر کنند و راجع به سؤال نظر خود را در کلاس ارائه دهند و با معلم و دیگر دانش‌آموزان به گفتگو بپردازند. (شعبانی، ۱۳۸۳، صفحه ۱۱۲)

فریره به آموزش با دیدی دیگر نگاه می‌کند که با دیدگاه‌های رایج متفاوت است؛ به این معنا که فراگیری خواندن و



نوشتن را هدف مهم و اساسی به عنوان یک مهارت صرف نمی داند. به عبارت دیگر، در این شیوه آموختن مهارت های سواد هدف قلمداد نمی شود بلکه وسیله ای برای بهبود و اصلاح جامعه و ایجاد تغییرات بنیادی و اساسی در طرز تفکر مردم و نحوه برخوردشان با مسائل به شمار می رود.

فلسفه آموزشی پائولو فریره بر این اصل استوار است که یادگیری فرد نمی تواند از آن چه او درباره خویشتن و جهان خود می داند جدا باشد. یادگیری حقیقی در واقع تداوم اطلاعات و دانش انسان در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فردی است، و به آزادی و تغییر شرایط رنج آور زندگی اش کمک می کند. (همان، صفحه ۱۱۴)

در این دیدگاه نظام آموزش و پرورش به جامعه شکل نمی دهد و سبب تغییر و تحول آن نمی شود، بلکه این جامعه است که به نظام آموزشی شکل می دهد. به عبارت دیگر نقش حقیقی آموزش و پرورش تربیت افرادی است که آگاهانه و به طور فعال برای ساختن فرهنگ و تاریخ اقدام کنند.

### روش تحقیق

روش پیمایشی با استفاده از تکمیل پرسشنامه

جامعه آماری:

متخصصان حوزه آموزش و پرورش شهر تهران

نمونه آماری:

سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش

### آزمون فرضیات

#### فرضیه اول

بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و شناخت متخصصان آموزش و پرورش از رسانه ها رابطه معناداری وجود دارد

جدول توزیع فراوانی پیرسون رابطه بین ضرورت آموزش سواد رسانه ای و شناخت متخصصان آموزش و پرورش از رسانه

		شناخت مدیران از رسانه ها و تکنولوژی های نوین ارتباطی	ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان
شناخت مدیران از رسانه ها و تکنولوژی های نوین ارتباطی	Pearson Correlation	۱	.۱۲۸
	Sig. (1-tailed)		.۲۵۷
	N	۸۰	۸۰
ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان	Pearson Correlation	.۱۲۸	۱
	Sig. (1-tailed)	.۲۵۷	
	N	۸۰	۸۰

از جدول فوق بر می آید میزان آزمون پیرسون ۱۲۸ / با سطح معنی داری ۲۵۷ / می باشد با توجه به اینکه سطح معنی داری کوچکتر از ۰.۱ / می باشد بنابر این فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰.۱ / رد شده است.

بنابر این با اطمینان ۹۹ / درصد می توان اظهار داشت که بین شناخت متخصصان از رسانه ها و آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه اول مورد تأیید است البته با توجه به پایین بودن میزان پیرسون این ارتباط در حد پایین می باشد هر چه متخصصان حوزه آموزش و پرورش از نحوه استفاده رسانه ها اطلاع داشته باشند نسبت به مقوله سواد رسانه ای آشنایی بیشتری دارند.

#### فرضیه دوم

بین سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و نبود آموزش آن در مدارس رابطه معنی داری وجود دارد

جدول توزیع فراوانی پیرسون رابطه بین سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و نبود آموزش در مدارس

		نیود آموزش سواد رسانه ای در مدارس	ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان
نیود آموزش سواد رسانه ای در مدارس	Pearson Correlation	۱	.۷۸۳
	Sig. (1-tailed)		.۰۰۰
	N	۸۰	۸۰
ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان	Pearson Correlation	.۷۸۳	۱
	Sig. (1-tailed)	.۰۰۰	
	N	۸۰	۸۰

از جدول فوق بر می آید میزان آزمون پیرسون  $۷۸۳/۰$  با سطح معنی داری صفرمی باشد با توجه به اینکه سطح معنی داری کوچکتر از  $۰/۱$  می باشد بنابر این فرضیه صفر در سطح معنی داری  $۰/۱$  رد شده است. بنابر این با اطمینان  $۹۹/۰$  درصد می توان اظهار داشت بین سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و نبود آموزش آن در مدارس رابطه معنی داری وجود دارد و فرضیه دوم مورد تأیید است با توجه به بالا بودن ضریب پیرسون این ارتباط در سطح بالایی قرار دارد بدین معنا که به دلیل نبود برنامه آموزشی سواد رسانه ای در سطح مدارس کشور موجب شد تا کودکان و نوجوانان با مقوله سواد رسانه ای آشنایی نداشته باشند

### فرضیه سوم

بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و استفاده هدفمند آنها از رسانه ها رابطه معنی داری وجود دارد

جدول توزیع فراوانی پیرسون رابطه بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و استفاده هدفمند آنها از رسانه ها

		استفاده هدفمند کودکان و نوجوانان از رسانه ها	ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان
استفاده هدفمند کودکان و نوجوانان از رسانه ها	Pearson Correlation	۱	.۶۴۱
	Sig. (1-tailed)		.۰۰۰
	N	۸۰	۸۰
ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان	Pearson Correlation	.۶۴۱	۱
	Sig. (1-tailed)	.۰۰۰	
	N	۸۰	۸۰

از جدول فوق بر می آید میزان آزمون پیرسون  $۶۴۱/۰$  با سطح معنی داری صفرمی باشد با توجه به اینکه سطح معنی داری کوچکتر از  $۰/۱$  می باشد بنابر این فرضیه صفر در سطح معنی داری  $۰/۱$  رد شده است. بنابر این با اطمینان  $۹۹/۰$  درصد می توان اظهار داشت بین سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و استفاده هدفمند آنان از رسانه ها رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه سوم مورد تأیید است با توجه به بالا بودن ضریب پیرسون این ارتباط در سطح بالایی قرار دارد یعنی وجود آموزش سواد رسانه ای موجب می شود تا کودکان و نوجوانان از رسانه ها استفاده هدفمند داشته باشند. در واقع کودکان با فراگیری و آموزش سواد رسانه ای می توانند از اهداف پیدا و پنهان رسانه ها آشنا یابند

### فرضیه چهارم

بین سواد رسانه ای و عدم برنامه ریزی آموزشی رابطه معنی داری وجود دارد

جدول توزیع فراوانی پیرسون رابطه بین سواد رسانه ای و عدم برنامه ریزی آموزشی

		عدم برنامه ریزی آموزشی	ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان
عدم برنامه ریزی آموزشی	Pearson Correlation	۱	.۴۷۷
	Sig. (1-tailed)		.۰۰۰
	N	۸۰	۸۰
ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان	Pearson Correlation	.۴۷۷	۱
	Sig. (1-tailed)	.۰۰۰	
	N	۸۰	۸۰

از جدول فوق بر می آید میزان آزمون پیرسون ۴۷۷٪. با سطح معنی داری صفرمی باشد با توجه به اینکه سطح معنی داری کوچکتر از ۰.۱ می باشد بنابراین فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰.۱ رد شده است. بنابراین با اطمینان ۹۹٪ درصد می توان اظهار داشت بین سواد رسانه ای و عدم برنامه ریزی آموزشی رابطه معنی داری وجود دارد و فرضیه چهارم مورد تأیید است. با توجه به بالا بودن ضریب پیرسون این ارتباط در سطح بالایی قرار دارد یعنی نبود یک برنامه آموزشی مناسب در زمینه سواد رسانه ای در مدارس موجب می شود تا کودکان و نوجوانان نسبت به آن آشنایی نداشته باشند.

### فرضیه پنجم

بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی رابطه معنی داری وجود دارد

جدول توزیع فراوانی پیرسون رابطه بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی

		توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی	ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان
توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی	Pearson Correlation	۱	۴۷۴
	Sig. (1-tailed)		...
	N	۸۰	۸۰
ضرورت آموزش سواد رسانه ای به کودکان و نوجوانان	Pearson Correlation	۴۷۴	۱
	Sig. (1-tailed)	...	
	N	۸۰	۸۰

از جدول فوق بر می آید میزان آزمون پیرسون ۴۷۴٪. با سطح معنی داری صفرمی باشد با توجه به اینکه سطح معنی داری کوچکتر از ۰.۱ می باشد بنابراین فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰.۱ رد شده است. بنابراین با اطمینان ۹۹٪ درصد می توان اظهار داشت بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی رابطه معنی داری وجود دارد و فرضیه پنجم مورد تأیید است. با توجه به بالا بودن ضریب پیرسون این ارتباط در سطح بالایی قرار دارد بدین معنا که آگاهی مخاطبان با تکنولوژی های ارتباطی و آشنایی با نحوه استفاده آن موجب مشارکت مدنی بیشتر و در نهایت توسعه اجتماعی خواهد شد.

### نتیجه گیری

در فرضیه اول که رابطه بین شناخت متخصصان آموزش و پرورش از رسانه ها و آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت بر اساس آزمون پیرسون به این نتیجه رسیدیم که رابطه معنی داری بین شناخت متخصصان از رسانه ها و آموزش سواد رسانه ای وجود دارد با توجه به اینکه نمونه مورد نظر از متخصصان حوزه آموزش و پرورش کشور هستند نیازمند این موضوع هستیم که تا چه اندازه متخصصانی که خود تدوین کننده محتوای آموزشی برای نظام آموزش کشور هستند اولاً نسبت به رسانه ها و کارکردشان آشنایی دارند. در ثانی این آگاهی از رسانه ها تا چه اندازه می تواند آنان را نسبت به مقوله آموزش سواد رسانه ای برای کودکان و نوجوانان حساس نماید در واقع متخصصان نظام آموزش و پرورش با آگاهی از کارکرد رسانه ها به اهمیت و ضرورت آموزش سواد رسانه ای در عصر حاضر پی برده و در برنامه ریزی های خود در عناوین درسی مدارس بگنجانند.

در فرضیه دوم که رابطه بین آموزش سواد رسانه ای کودکان و نوجوانان و نبود آموزش آن در مدارس مورد بررسی قرار گرفت بر اساس آزمون پیرسون به این نتیجه رسیدیم که رابطه معنی داری بین آموزش سواد رسانه ای و نبود آموزش آن در مدارس وجود دارد در این فرضیه مشخص شد که نا آشنایی کودکان و نوجوانان با مقوله سواد رسانه ای به این موضوع بر می گردد که هیچ گونه آموزشی در خصوص سواد رسانه ای در نظام آموزش رسمی کشور وجود ندارد به همین دلیل کودکان و نوجوانان ما نمی توانند استفاده درست و درکی از اهداف پیدا و پنهان رسانه ها داشته باشند. آموزش رسانه ای از کارآمدترین امکاناتی است که دولت می تواند، و باید، برای تحقق آموزش و پرورش رایگان و خصوصاً تسهیل و تمهیم، آموزش عالی بکار گیرد موضوعی که متأسفانه تا به امروز مغفول مانده است این موضوع نیازمند توجه جدی دولت و نظام آموزشی کشور است. بر اساس مطالعات صورت گرفته درسند تحول بنیادین نظام

آموزش و پرورش کشور که اخیراً از آن رونمایی شده در می‌یابیم که هر چند راهکارهایی در ارتباط با موضوع رسانه و استفاده از تکنولوژی‌ها در سطح مدارس به خصوص برای ارتقای سطح آگاهی معلمان مطرح شده است، ولی متأسفانه به گنجاندن موضوع آموزش سواد رسانه‌ای در عناوین درسی مدارس توجه نشده و جای خالی آن در این سند مهم کماکان احساس می‌شود. دیدگاه فرریره نیز این فرضیه را تأیید می‌کند وی نقش حقیقی آموزش و پرورش را تربیت افرادی می‌داند که آگاهانه و به طور فعال برای ساختن فرهنگ و تاریخ اقدام می‌کنند در واقع نقش نظام آموزشی و مدرسه در ساخت تمدن و فرهنگ نقش مهمی است که زمینه آن آگاهی مخاطبان از تحولات پیرامون بر اساس آموزش روحیه کنجکاوی و نقادی دانش آموزان میسر است.

در فرضیه سوم که رابطه بین آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان و استفاده هدفمند آنها از رسانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت بر اساس آزمون پیرسون به این نتیجه رسیدیم که رابطه معنی‌داری بین آموزش سواد رسانه‌ای و استفاده هدفمند کودکان و نوجوانان از رسانه‌ها وجود دارد. بر اساس این رابطه به این نتیجه می‌رسیم که اگر آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس به کودکان و نوجوانان داده شود آنها می‌توانند از رسانه‌ها بهتر استفاده نمایند امروزه دغدغه بسیاری از والدین ترس از استفاده کودکان و نوجوانان از رسانه‌هایی است که ناهنجاری‌ها را در جامعه ترویج می‌دهند برای جلوگیری از تحت تأثیر قرار گرفتن آنان از رسانه‌ها باید آنان را به دانش سواد رسانه‌ای مجهز کرد تا با گسترش حس کنجکاوی و نقادی آنان را از مصرف‌کننده صرف به مخاطب فعال تبدیل کرد.

دیدگاه فریره نیز این فرضیه را تأیید می‌کند و در همین زمینه می‌گوید آموزش تلقینی یکی از خطرناکترین صور محیطی است که روند ستم‌پذیری را رواج می‌دهد مهمترین ویژگی این نوع آموزش برخورداری از لحن و زبان جذاب و ناتوانی در ایجاد و تغییر است. نقش شاگردان در این نوع از آموزش صرفاً به حفظ، یادآوری و بازگویی جمله‌هایی محدود می‌شود که می‌شنوند، بی‌آنکه محتوای آنها را ژرفکاو کنند.

در چنین شرایطی حقیقت این است که عقل انسان از فرصت نوآوری محروم می‌شود زیرا نه سوال می‌کند و نه وارد عمل می‌شود. و بدین ترتیب بعید نیست که این نظام بانکی موجوداتی سازگار با محیط، رام و فرمانبر تحویل جامعه بدهد از دیدگاه این افراد، انسان تنها تماشاگر است و قادر به نقش‌آفرینی نیست، انسان عقل‌تهی و فارغی است که آماده دریافت چیزهایی است که در جهان انباشته شده است.

بنابر این وقتی کودکان و نوجوانان با توجه به رشد تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی هنوز از طریق شیوه‌های سنتی آموزش ببینند نمی‌توان آنها را مخاطبان فعال جامعه دانست که در استفاده از رسانه‌ها روشی منطقی با حس کنجکاوی و نقادی در پیش گیرند این دانش آموزان مخاطبانی منفعل و استفاده‌کننده صرف رسانه‌ها هستند که قدرت درک و تجزیه و تحلیل پیام رسانه را ندارند.

در فرضیه چهارم که رابطه بین آموزش سواد رسانه‌ای و عدم برنامه‌ریزی آموزشی مورد بررسی قرار گرفت بر اساس آزمون پیرسون به این نتیجه رسیدیم که رابطه معنی‌داری بین آموزش سواد رسانه‌ای و برنامه‌ریزی آموزشی وجود دارد. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که دلیل نبود سواد رسانه‌ای در میان کودکان و نوجوان به موضوع برنامه‌ریزی آموزشی نظام آموزش کشور بر می‌گردد به عبارت دیگر از آنجایی که برنامه‌ریزان نظام آموزشی کشور که مسئولیت تهیه و تدوین محتوای آموزشی برای مدارس را بر عهده دارند متأسفانه هنوز به ضرورت و اهمیت موضوع سواد رسانه‌ای پی نبرده و در عناوین درسی مدارس نگنجانده‌اند پس یکی از گام‌های اساسی برای پرداختن به مقوله سواد رسانه‌ای در مدارس آشنایی برنامه‌ریزان از اهمیت سواد رسانه‌ای در عصر حاضر برای کودکان و نوجوانان است تا این انگیزه برای تدوین محتوای آموزشی مناسب فراهم شود بنابراین برای ضابطه‌مند کردن کارکرد آموزشی رسانه‌ها و وضع مقررات شفاف برای آن باید چاره‌ای در نظام آموزشی رسمی کشور اندیشیده شود.

در فرضیه پنجم که رابطه بین آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان و توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی مورد بررسی قرار گرفت بر اساس آزمون پیرسون به این نتیجه رسیدیم که رابطه معنی‌داری بین آموزش سواد رسانه‌ای و توسعه اجتماعی وجود دارد یعنی پاسخگویان معتقد بودند که آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان و نوجوانان در دراز مدت موجب توسعه اجتماعی کشور و مشارکت مدنی هر چه بیشتر آنان خواهد شد.

یکی از حوزه‌هایی که در جهان امروز به شدت تحت تأثیر اطلاعات رسانه‌ای قرار دارد رفتارهای مدنی، مهارت‌های شهروندی و مشارکت‌های اجتماعی است پژوهشگران بسیاری نقش‌های مثبت و منفی رسانه‌ها را در این گستره مورد

بررسی قرار داده‌اند. بررسی یافته‌ها حاکی از آن است که رسانه‌ها می‌توانند با ارائه الگوهای رفتاری، چهارچوب‌های مرجع و اطلاعات مطلوب، به افزایش مهارت‌های شهروندی و شکل‌گیری رفتارهای مدنی کمک کنند. کارکرد صحیح استفاده از رسانه‌ها می‌تواند عامل مؤثری در سرعت وصول به توسعه و منحرف نشدن مسیر آن داشته باشند؛ همانگونه که سوء استفاده از این توانایی ممکن است به زوال یک تمدن و تسلط فرهنگی بر فرهنگ دیگر بیانجامد.

نگاه پائولو فریره به آموزش انسان و نقش آن در رشد و شکوفایی جامعه انسانی این فرضیه را تایید می‌کند وی فلسفه آموزشی خود را بر این اصل استوار می‌داند که یادگیری فرد نمی‌تواند از آن چه او درباره خویشتن و جهان خود می‌داند جدا باشد. یادگیری حقیقی در واقع تداوم اطلاعات و دانش انسان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فردی است، و به آزادی و تغییر شرایط رنج آور زندگی اش کمک می‌کند هر چه فرد آموزش‌های لازم را در استفاده درست از رسانه‌ها و دریافت اطلاعات لازم از آنها را بداند داناتر و فعال‌تر خواهد بود و انسانی مشارکت‌جو است بنابراین با توجه به ضرورت و اهمیت آموزش رسانه‌ای به مخاطبان به خصوص کودکان و نوجوانان و نقش آن در توسعه کشور باید به این موضوع توجه شود.

سواد رسانه‌ای یکی از ضروری‌ترین نیازهای دنیای ارتباطات است که اگر مخاطبان یک کشور از آن با این موضوع آشنا باشند می‌توانند نقش بسزایی در رشد و توسعه آن کشور ایفا نمایند. با توجه به ضرورت و اهمیت این موضوع متأسفانه در کشور ما به آن اهمیت داده نشده است.

Archive of SID

## منابع

- الوین، تافلر، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، ۱۳۷۳
- اسدی، علی، افکار عمومی و ارتباطات، تهران، سروش، ۱۳۷۱
- بصیریان جهرمی، حسین و رضا، در آمدی بر سواد رسانه ای و تفکر انتقادی، فصلنامه رسانه، ۱۳۸۶
- ببران، صدیقه، سواد رسانه ای در برخورد با خشونت رسانه ای، روزنامه ایران، ۲۳ مهر ۱۳۸۲، شماره ۲۶۰۹
- براون، جیمز، رویکردهای سواد رسانه ای، ترجمه پیروز ایزدی، ۱۳۸۵
- بخشی، بهاره، به کارگیری تئوری نشر نوآوری در تطبیق و برنامه سواد رسانه ای مدارس، پژوهشنامه، ۱۳۸۷ شماره ۲۲
- پاتر، جیمز، تعریف سواد رسانه ای، ترجمه لیدا کاووسی، ۱۳۸۵
- پستمن، نیل، نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷
- تومن، الیزابت، مهارت ها و راهبرد های آموزش رسانه ای، ترجمه حسن نورایی، فصلنامه رسانه، سال دوازدهم، ۱۳۸۰
- حسین زاده، منصور، تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان از آغاز پیروزی انقلاب، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۰
- حبیبی نیا، امید، مردم و سواد رسانه ای، همشهری، آبان ۱۳۸۹، شماره ۳۲۱۹
- حیدری زهرایور، معصومه، سواد رسانه ای و آموزش رسانه ای، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال ۱۱، شماره ۱۷، ۱۳۸۳
- دلاور، علی، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۷
- رضایی بایندر، بررسی نقش سواد رسانه در آموزش مهارت شهروندی، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۳، ۱۳۸۲
- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، نشر اطلاعات، ۱۳۸۸
- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، تهران، ۱۳۸۱
- سلطانی فر، محمد، سانسور یا سواد رسانه ای، پژوهشنامه، ۱۳۸۷
- سپاسگزار، ملیحه، رویکرد نظری به سواد رسانه ای، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال ۱۲، شماره ۴۴، ۱۳۸۴
- شکر خواه، یونس، نیاز مخاطبان به سواد رسانه ای، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال ۸، شماره ۲۹، ۱۳۸۰
- شکر خواه، یونس، سواد رسانه ای یک مقاله عقیده ای، فصلنامه رسانه، ۱۳۸۶
- صالحی، سیدرضا، رجبی، مسعود، صورت سواد رسانه ای، پژوهشنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۲، ۱۳۸۷
- طاهریان، مریم، سواد رسانه ای؛ آموزش رسانه ای کودکان و نوجوانان، پژوهشنامه، شماره ۲۲، ۱۳۸۷
- فرهنگی، علی اکبر، مهندسی فرهنگی و سواد رسانه ای، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۱، ۱۳۸۷
- قاسمی، طهمورث، سواد رسانه ای رویکردی جدید به نظارت، فصلنامه رسانه، ۱۳۸۶
- مسترمن، لین، ۱۸ اصل آموزش سواد رسانه ای، ترجمه فرنوش ارفع
- مهرداد، هرمز، مقدمه ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، انتشارات فراه، ۱۳۷۵
- نصیری، بهاره، مخاطبان و سواد رسانه ای، روزنامه ایران، شماره ۳۷۰۷، ۱۳۸۴
- هاشمی، شهناز، گذری بر سواد رسانه ای، پژوهشنامه، شماره ۲۲، ۱۳۸۷
- ویلبر شرام، تلویزیون در زندگی کودکان ما، ترجمه محمود کاشانی
- potter, james, medialiteracy, California, sage, publication, 2005
- angel, helnamary, what musicvideoteachat, risk adolescentgirls
- <http://www.yuoness.blogspot.com>
- <http://azhamehchiz.persianblog.ir/post/5132>
- <http://ch1.iribtv.ir/index.php>
- <http://www.farsnews.com/newstext.php>
- <http://resanehayenovin.blogfa.com/post>
- <http://techno84.blogfa.com/8607.aspx>
- <http://www.taghribnews.ir/vdcbwab>